بسم‌الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[حد ارتداد 1](#_Toc428359908)

[مرور بحث گذشته 1](#_Toc428359909)

[مروری بر مقام دوم 1](#_Toc428359910)

[عناوین ثانوی در این مقام 2](#_Toc428359911)

[عدم تمکن اثبات حکم در محکمه 2](#_Toc428359912)

[تکرر ارتداد 2](#_Toc428359913)

# حد ارتداد

# مرور بحث گذشته

در جلسه گذشته دو مقام مطرح شد که؛ اولاً حق اجرای حدود بر عهده حاکم است، ادله‌ای نیز که در این رابطه وجود دارد موردبررسی قرار گرفت. ادله‌ای که به نحو مطلق چه در مقام قضاء و چه در مقام اجرا حق را از آن حاکم می‌دانست. بنابراین، هم از ادله عقلی و ارتکازات و هم از طریق ادله لفظی می‌توان این حکم را اثبات نمود.

از طرفی دیگر خطاباتی که در قبال احکام و حدود وجود دارد به نحو عام استغراقی همه مکلفین را دربر می‌گیرد. البته گاهی از این خطابات وجوب کفایی و گاهی عینی استفاده می‌شود.

# مروری بر مقام دوم

اما در مقام دوم کلام از موارد استثناء شده از قاعده اولیه بود که در قبال آن‌ها گفته شد؛ مواردی مانند ارتداد از حکم لزوم اذن حاکم خارج‌شده است. البته نکته حائز اهمیتی که در این میان وجود دارد، این بوده که ممکن است در مواردی به اقتضای عناوین ثانوی حکم جواز قتل مرتد بدون اذن برداشته شود و از آن جمله مواقعی است که منجر به اختلال نظام شود یا مواردی که امنیت از جامعه سلب شود و افراد نتوانند در محیطی امن زندگی کنند.

## عناوین ثانوی در این مقام

تشخیص مصالح نیز در اینجا امری صعب است که کمتر کسی غیر از فقیه می‌تواند از عهده آن بیرون آید. و ازجمله موارد دیگری که در این مقام منجر به عمل به عناوین ثانوی خواهد شد، جایی است که قتل مرتد منجر به وهن اسلام گردد. لذا حکم فوق مشروط به عدم تزاحم است.

## عدم تمکن اثبات حکم در محکمه

در مواردی ممکن است فرد ساب النبی یا مرتد را با تشخصی خود به قتل برسد ولی پس‌ازآن در محکمه نتواند اثبات نماید، در این صورت او مورد قصاص خواهد گرفت. فرض دیگری که در اینجا متعلق سؤال است، این بوده که اگر فرد نسبت به وظیفه خود مبنی بر قتل مرتد و همچنین قتل خود پس‌ازآن مطمئن است، آیا جایز است این کار را انجام دهد؟

ظاهر برخی از روایات جواز این امر بوده و در قبال آن ثواب عظیمی برشمرده شده است.

### تکرر ارتداد

مسئله پنجم در تحریر این است که؛

**«مسألة 5: إذا تکرّر الارتداد من الملّی قیل: یقتل فی الثالثة، و قیل: یقتل فی الرابعة، و هو أحوط»[[1]](#footnote-1)**

در ابواب مقدمات حدود، باب پنجم، صفحه سیصد و سیزده روایت معتبره ای است که می‌فرماید؛

**«مُحَمَّدٌ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ یونُسَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْمَاضِی ع قَالَ: أَصْحَابُ الْکبَائِرِ کلِّهَا إِذَا أُقِیمَ عَلَیهِمُ الْحُدُودُ مَرَّتَینِ قُتِلُوا فِی الثَّالِثَةِ.» [[2]](#footnote-2)**

قاعده در باب حدود این است که دربار سوم کشته می‌شود، اما در باب زنا دلیل خاص وجود داشت که فرد دربار چهارم به قتل خواهد رسید. اما باید دید حکم در اینجا چه خواهد بود؟

1. تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة - الحدود؛ ص: 709 [↑](#footnote-ref-1)
2. الکافی (ط - الإسلامیة)؛ ج 7، ص: 219 [↑](#footnote-ref-2)